

## زیر مهمیز اشغالگران نمی توان دموکراسی ساخت!



ادامه در صفحه ۴

به یاد اسطوره پایداری و عشق به خلق و میهن

به مناسبت سالگرد شهادت خسرو روزبه

در صفحه ۳

برنامه چهارم توسعه یا نسخه

صندوق بین المللی پول برای ایران

طی هفته های گذشته، با تصویب برنامه چهارم توسعه در مجلس شورای اسلامی، بحث پیرامون سمت گیری اقتصادی اجتماعی رژیم ولایت فقیه و نتایج آن برای میهن ما، با شدت و حرارت در محافل گوناگون و در میان نیروها و احزاب سیاسی با دیدگاه های متفاوت جریان یافت. از دیگر سو، تصویب این برنامه به فوریت از حمایت شرکای تجاری جمهوری اسلامی برخوردار گردید و انحصارهای فراملی که، در انتظار ورود بدون درد سر و آسان به داخل کشور و تسخیر بازار پُر سود آن هستند به تایید و تشویق آن پرداختند.

خبرگزاری رویتر در گزارشی تحت عنوان مجلس ایران برنامه یی را با هدف تسریع در رشد اقتصادی تصویب کرد، یادآور شد این برنامه راه گشای جمهوری اسلامی برای ورود به سازمان تجارت جهانی است و یگانه راه برون رفت از بحران است. به علاوه مشاور بخش تجارت و صنایع انگلستان در سخنانی که، در خبرگزاری اقتصادی بلومبرگ انتشار یافت با توجه به برنامه مذکور تاکید کرد، هم اکنون زمان مناسب برای سرمایه گذاری خارجی در ایران فرارسیده است. وی همچنین افزود، ایران هر چیزی را که کشورهای غربی به آن نیاز دارند در اختیار دارد... وجود مواد خام فراوان و نیروی کار زیاد (بخوان ارزان) از جمله عامل های مهم و

ادامه در صفحه ۲

در چند روز گذشته اکثر رسانه های جهان گزارش های متعدد، مصور و گویایی از عملکرد جنایتکارانه، غیر قانونی و غیرانسانی نظامیان و نیروهای امنیتی آمریکایی و انگلیس در زندان های عراق منتشر کرده اند. تصاویر زندانیان برهنه و وحشت زده یی که در شرایط تحقیر آمیزی مورد آزار زندانبانان آمریکایی قرار گرفته اند، گزارش های مستند و مصور حاکی از تجاوز به زندانیان در حضور نظامیان آمریکایی که به خنده و شوخی مشغولند، خشم افکار عمومی را برانگیخته است. تصاویر گویای شکنجه و تحقیر زندانیان آن چنان نفرت آورند که شخصیت های سرسخت سیاسی کشورهای اشغالگر چون دونالد رامسفلد، وزیر دفاع آمریکا، سربعاً سعی به فاصله گذاشتن بین خود و پرسنل متهم در این افشاح کرده اند. جورج بوش، رئیس جمهوری آمریکا، با قبول مصاحبه یی



شماره ۶۸۶، دوره هشتم  
سال بیستم، ۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۸۳

### مرثیه یی بر سیاست مماشات و سازش با استبداد

### «استبداد تاریخی» را نمی توان با تقویت آن ریشه کن کرد!

قوانین کاملاً جامع و مدون، وضع در این حوزه ها لرزان تر و سست تر شد. اینجا بود که بورقانی به کم عنایتی صورت گرفته درباره اصولی که تاکید دارند نماینده بتواند به دور از بیم و هراس و تعقیب و توقیف به ایفای وظایف نمایندگی بپردازد، اشاره کرد.

بورقانی در همین سخنان اشاره کرد که در ششمین دوره مجلس با ۷۰ نماینده مجلس به دلایل گوناگون برخورد قضایی شده است که البته باید اضافه کرد که در تاریخ معاصر میهن ما کم نظیر است.

مجید انصاری از دیگر سخنرانان این جلسه بود که ضمن دفاع از سیاست های اقتصادی دولت و مجلس با اشاره به دست آوردهایی که در این عرصه تحقق یافته گفت: «فعالیت ها و پیگیری های مجلس در حوزه اقتصادی درخشان، افتخارآمیز و بی نظیر بوده است.» او موفقیت مجلس در این حوزه را موفقیت دولت هم خواند و از ایجاد تسهیلات در امور تولیدی و صادراتی، ایجاد فضای مناسب برای کسب و کار، کمک به تسهیل و تضمین سرمایه گذاری، واگذاری امور به مردم و بخش خصوصی، یکسان سازی نرخ ارز به عنوان کار ارزشمند در اقتصاد ملی یاد کرد. بر اساس گزارش روزنامه «شرق» پورنجاتی مصیبت نامه خواند و گفت: «مجلس تمام گشت و به آخر رسید عمر ما همچنان در اول وصف

روزنامه «شرق»، دوشنبه ۲۱ اردیبهشت ماه در گزارشی درباره آخرین «شام مجلس و دولت» به درج سخنان مطرح شده در این نشست پرداخت که حاوی نکات جالبی است. روزنامه «شرق» می نویسد: «بورقانی از شکستن مرزهای ممنوعه سخن گفت. احمد بورقانی نماینده ای بود که مأمور شده بود تا از فعالیت های مجلس ششم در حوزه سیاسی گزارش دهد. آغاز سخن او درباره تجربه بیش از یک قرن فعالیت و حضور پارلمان در ایران و برگزاری سی امین دوره آن و ششمین دوره اش پس از انقلاب بود. تجربه یی حاوی عدم بهره مناسب از نظام پارلمانی و امیدواری نسبت به اینکه مجالس بعدی این بهره را ببرند.» شرق در ادامه همین گزارش از سخنان بورقانی اضافه می کند: «او از اینکه مجلس ششم می خواست ظرف های معطل مانده قانون اساسی را اجرایی کند، از اینکه می خواست نظم و انضباط محکمی را در سیاست و گفتمان سیاسی حاکم سازد، از اینکه نقد و نقادی فراتر از حوزه های جاری و مرسوم رود و شفافیت جایگزین شود، سخن گفت و از امیدواری های دولت در همگامی با مجلس در تحقق این خواسته ها گفت که با اختلاف دیدگاه شورای نگهبان، همگی به ناامیدی مبدل شد و تحقق نیافت و گلايه کرد از اینکه حتی به رغم وجود برخی

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

## ادامه برنامه چهارم توسعه ...

خوب برای سرمایه گذاری خارجی در ایران است. برنامه توسعه که از تصویب مجلس گذشته و با حمایت قاطع انحصارهای فراملی و شرکا و دست نشانده گان وطنی آنان روبرو شده در برگیرنده خطوطی است که پایه و مبنای کلیه اقدامات رژیم ولایت فقیه در سال های آینده را تشکیل می دهد. موارد اصلی و بنیادین برنامه چهارم توسعه عبارتند از: آزادسازی اقتصادی، خصوصی سازی تحت عنوان کاهش تصدی دولت بر اقتصاد تشویق و جلب سرمایه خارجی و تامین امنیت سرمایه، بازگشایی شعبه های بانک های خارجی، کاهش یارانه های دولتی و اصلاح و بازنگری قوانین و مقررات تامین اجتماعی و تغییر قانون کار بسود کلان سرمایه داران و انحصارهای فراملی!

علاوه براین، اهداف و آماج های مهم این برنامه برپایه آنچه سخنگویان رسمی رژیم عنوان کرده اند و در متن برنامه تصریح گردیده، چنین هستند: رشد اقتصادی ۸ درصدی، ایجاد ۸۰۰ هزار فرصت شغلی، رشد ۴/۱۲ درصدی سرمایه گذاری در کنار رشد میانگین تولید ناخالص داخلی طی ۴ سال آینده به میزان ۸ درصد و کاهش نرخ تورم به ۹/۹ درصد در همین فاصله زمانی. بی جهت نبود که، حسین مرعشی از نزدیکان مورد اعتماد رفسنجانی هنگام بحث و بررسی لایحه برنامه چهارم در مجلس با تاکید براهمیت پیش برد اصلاحات اقتصادی و تامین امنیت سرمایه از جمله گفت: کلیات برنامه بسیار روشن و دارای نکات مثبت است. باید بگوییم بدون رشد اقتصادی دست یابی به عدالت اجتماعی ناممکن است برنامه چهارم اولین برنامه برای تحقق سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور است و همه قوای کشور باید به سند چشم انداز توسعه پایبند باشند. ستاری فر رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی هنگام دفاع از لایحه، در صحن مجلس قاطعانه خاطر نشان کرد: لایحه برنامه چهارم محصول کار کارشناسی مجموعه نظام و نه محصول یک سابقه و نگاه است. پس به این ترتیب، می توان با صراحت گفت، برنامه چهارم برخلاف تبلیغات ارتجاع و ویژه باندهایی که تحت نام آبادگران بیشترین کرسی های مجلس هفتم را اشغال کرده اند، مورد تایید و توافق کلیه جناح هاست و اینان نیز از مدافعان سینه چاک این برنامه هستند و می باید آنرا به مورد اجرا بگذارند.

برای درک بهتر مواد و اصولاً آشنایی دقیق تر با بینش حاکم بر این برنامه که به غلط و با هدفی معین، یگانه راه حل بحران و تضمین کننده رشد اقتصادی و غلبه بر معضل بیکاری و بطور کلی توانمند شدن ایران آنهم در دوران نامساعد جهانی سازی معرفی شده است، باید فرای ظاهر سازی و بدون توجه به بازی با کلمات و تبلیغات فریب دهنده به محتوی و مضمون آن به صورت جدی و با دیدی علمی نظر افکند. همانگونه که قبلاً اشاره شد، برنامه چهارم توسعه چیزی جز نسخه بی دیگر از سوی صندوق بین المللی پول نیست. چارچوب این برنامه را می توان در چند اصل که به صورت کلیشه بی از سوی امپریالیسم در دوران جهانی سازی به سراسر جهان دیکته می گردد، خلاصه کرد. این چند اصل عبارتند از:

۱. ایجاد ساختار مناسب با هدف ایجاد آنچه ان شایسته که سرمایه های فراملی جذب شوند.
۲. تامین امنیت سرمایه و تضمین سود بیشتر و راحت تر با کاهش نیروی کار، اخراج و باز خرید کردن کارکنان بخش های مختلف اقتصادی اعم از کارگران و کارمندان.
۳. کاهش نرخ مزد و پایین نگاه داشتن سطح دستمزدها با هدف مهیا ساختن نیروی کار ارزان و مطیع.
۴. یکسان کردن قوانین و مقررات مطابق مدل و الگوهای سازمان تجارت جهانی، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، تغییر مقررات حاکم بر روابط کارگر و کارفرما بسود دومی و لغو مقررات گمرک برای واردات.
۵. سپردن واحدهای سود ده و قابل بهره برداری، تضمین سود دهی

این واحدها.

۶. حذف نظارت دولتی و ملی بر بخش های راهبردی و پراهمیت که با منافع ملی پیوند دارد مانند نفت، گاز، پتروشیمی، راه آهن، خطوط هوایی و دریایی و دیگر بخش های کلیدی و مادر و واگذاری آنها به بخش خصوصی (داخلی و خارجی).

این موارد شالوده و بنیاد کلیه مواد و تبصره های برنامه چهارم توسعه را تشکیل می دهند و همگی از سوی صندوق بین المللی دیکته شده اند.

بطور مثال ماده ۷ تاکید می کند، دولت اجازه دارد که از همه روش های امکان پذیر (توجه کنید همه روش های امکان پذیر) اعم از مقررات زدایی، واگذاری مدیریت نظیر اجازه پیمانکاری عمومی و پیمان مدیریت مالکیت نظیر اجاره به شرط تملک، فروش تمام یا بخشی از سهام و واگذاری اموال ... با هدف تداوم خصوصی سازی. در ماده ۷۳، درست مطابق دستور العمل صندوق بین المللی، صدها میلیون دلار، بله صدها میلیون دلار، از درآمدهای نفتی طی چند سال آینده آنهم از طریق مناطق آزاد تجاری به موسسه های و شرکت های خارجی تعلق می گیرد، تا انبوه کالاهای خارجی بدون هیچگونه مقررات گمرکی به داخل کشور وارد شده و بنیه تولید ملی را خورد سازد.

در ارتباط با حقوق زحمتکشان فکری و یدی، برنامه چهارم به مراتب فاجعه بارتر از برنامه های پیشین است. در بند «د» ماده ۸۳ به صراحت بر بازنگری قوانین ناظر بر روابط کارگر و کارفرما بسود کارفرما و به نام تامین امنیت سرمایه تاکید شده است. برپایه این تبصره و بند از ماده ۸۳ تکالیف مربوط به تامین اجتماعی را از عهده بنگاه ها و کارفرما خارج ساخته و از متن قانون کار جدا سازد. در بند «ه» ماده ۱۵۸ نیز کاملاً و بدون هیچ شک و شبهه بی مقررات تامین اجتماعی از میان برداشته می شود و لذا آنچه مربوط به کارگران قلمداد می شود و دارایی آنهاست، مصادره می شود. در ماده ۴۹ نیز تاسیس شعبه دانشگاه های خارجی در کنار بانک های خارجی قید گردیده و این به معنای خصوصی سازی آموزش عالی است و مطابق این ماده فرزندان خانواده های کارگری از تحصیل به دلیل هزینه های سرسام آور آن محروم تر از پیش خواهند شد.

اینها نمونه های مثال زدنی از مواد متعدد برنامه چهارم است که سمت و سوی آن تامین منافع کلان سرمایه داران و پایمال شدن حقوق مزدبگیران می باشد. نکته ی مهم در ارتباط با برنامه چهارم توسعه موضع گیری جناح های گوناگون حکومتی است. احمد توکلی چهره رسوای ارتجاع و از مدافعان سینه چاک صندوق بین المللی پول شخصی که یک بار در اوایل انقلاب طبقه کارگر با رهبری حزب توده ایران، درس فراموش نشدنی به او داده است؛ طی یک مصاحبه مطبوعاتی، به دروغ یادآور شده مجلس هفتم در برنامه چهارم تجدید نظر می کند. این ژست تبلیغاتی بی پشتوانه صرفاً از دیدگاه منافع گروهی و جناحی عنوان نمی شود، بلکه برای فریب مردم بیان می گردد. در این رابطه بد نیست به سخنان یکی از کارشناسان صندوق بین المللی پول اشاره کنیم که چندی پیش انتشار یافت، او با توجه به ترکیب مجلس هفتم، بدون کمترین دغدغه یی در پاسخ به این پرسش که جناح ذوب در ولایت چه دیدگاه اقتصادی دارد و حضور آنان برای آینده اصلاحات چه خواهد بود، در مجله پژوهشی «میس» می گوید: ... اجرای قول های انتخاباتی آنها مستلزم اجرای اصلاحات اقتصادی است که طی چند سال اخیر به پیشنهاد این دو مرکز (صندوق بین المللی پول و بانک جهانی) صورت گرفته است، یکسان سازی نرخ ارز، بازنگری در ساختار مالیات، قانون جدید جذب سرمایه های مستقیم خارجی قانونی کردن بانکداری خصوصی و بیمه، تغییر مقررات تجارت و افزایش نقش بخش خصوصی در اقتصاد موضوعاتی هستند که بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به ایران قبولانده اند (دیکته کرده اند) ... مجلس هفتم مجبور است سیاست های (اقتصادی) کابینه خاتمی را تایید کند ... " (به نقل از روزنامه شرق، ۱۵ اردیبهشت ۸۳)

کوتاه سخن: برنامه چهارم توسعه، زندگی و امنیت شغلی زحمتکشان فکری و یدی و بطور کلی طیف گسترده مزدبگیران را به چالش می گیرد و از هم اکنون پیامدهای فاجعه بار آن قابل پیش بینی است. باید با این سمت گیری پیگیرانه، متحد و سازمان یافته مقابله و مبارزه کرد.



شناخته است و  
تمام سلول های  
بدن من و تمام  
ذرات وجودم  
توده ایست.»  
بیدادگاه  
نظامی شاه  
حکم اعدام  
او را صادر  
کرد. شاه که  
از سال ها  
پیش در  
آرزوی  
تقاضای  
«عفو» این  
مخالف  
سرسخت  
خود می

سوخت، برای آخرین بار آزموده را به سراغ او فرستاد: زندگی به بهای  
خیانت! روزبه با جسارت پاسخ رد داد و آزموده را دست خالی روانه کرد.  
ساعت چهار روز ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۲۷، در زندان به سراغ او رفتند.  
آماده بود. وصیت نامه کوتاهی خطاب به رفقا و دوستان خود نوشت. او را  
حرکت دادند. ماه ها شکنجه سخت سبب شده بود که او به کمک عصا راه  
می رفت. رفیق قهرمان روزبه، با غرور و افتخار و با جسارت چشم در چشم  
دژخیمان خود: آزموده، بختیار، مبصر، زیبایی، امجدی و رجایی انداخت:  
من از مرگ نمی ترسم. سرهنگ بارنشسته محمد خبیری که شاهد لحظه  
اعدام خسرو روزبه بود. این لحظات را چنین توصیف کرده است: به  
سربازان جوخه اعدام سلام کرد و گفت: من می دانم شما مقصر نیستید.  
شما سربازان به منظور انجام وظیفه و همان اطاعت کور کورانه در اینجا  
گرد آمده اید تا وطن پرستی مثل من را تیرباران کنید. بر شما خرده نباید  
گرفت... می خواستند چشمانش را ببندند. خسرو مانع شد و با صدای رسا  
گفت: جوخه گوش به فرمان من! سرهنگ جاوید خواست این صدا را محو  
کند ولی نتوانست. روزبه با صدای رسا فریاد کشید: مرگ بر شاه خائن!  
زنده باد حزب توده ایران! در همین هنگام اگر چه گلوله های جوخه اعدام  
قلب پر شورش را درهم درید ولی صدای قهرمانی دیگر از تبار آرش برای  
همیشه در فضای پیکار آزادی بخش و عدالت جوی میهن ستمدیده ما طنین  
افکن و رهگشا شد.

در پی شهادت رفیق روزبه، حزب توده ایران روز شهادت او را روز  
همبستگی با زندانیان سیاسی میهن اعلام کرد. و از آن هنگام تاکنون این  
روز را به عنوان روز تجدید عهد با مبارزات قهرمانان خاموش خلق و  
زندانیان سیاسی همه ساله گرامی داشته است. باشد تا حماسه این انقلابی و  
قهرمان نهضت رهایی بخش خلق های میهن ما نمونه ای الهام بخش برای  
پایداری و دلاوری مبارزان راه آزادی و انگیزه ای برای اتحاد همه نیروهای  
راستینی باشد که برضد استبداد و اختناق و در راه صلح، آزادی و عدالت  
اجتماعی مبارزه می کنند.  
یادش گرامی و راهش پر رهرو باد.

به مناسبت سالگرد شهادت خسرو روزبه

## به یاد اسطوره پایداری و عشق به

## خلق و میهن

«به گلگشت جوانان،  
یاد ما را زنده دارید، ای رفیقان!  
که ما در ظلمت شب،  
زیر بال وحشی خفاش خون آشام،  
نشاندیم این نگین صبح روشن را،  
به روی پایه انگشتر فردا. ...»  
محمد زهری

روز ۲۱ اردیبهشت ماه سالگرد شهادت رفیق خسرو روزبه، از  
چهره های درخشان مبارزات رهایی بخش خلق های میهن ماست.  
رفیق خسرو روزبه در سال ۱۲۹۴ شمسی، در ملایر، دیده به جهان  
گشود و در سال ۱۳۲۲ به عضویت در حزب توده ایران درآمد.  
هنوز مدت زیادی از پایان تحصیل او در دانشکده افسری نگذشته  
بود که روزبه برای آموزش دانشجویان به خدمت در دانشکده  
افسری فراخوانده شد. او چندین دوره افسر تربیت کرد. وی در  
همین سال ها ده ها کنفرانس علمی و نظامی در دانشکده افسری و  
دانشکده فنی سازمان دهی کرد که چاشنی تمامی این کنفرانس ها  
بحث در باره مسایل اجتماعی ایران بود. رفیق روزبه در این دوران  
۱۶ جلد کتاب نظامی، فنی و ریاضی برای شاگردان خود تألیف  
کرد. او از بنیانگذاران «تشکیلات افسران آزادی خواه ایران» شد  
که بسیاری از اعضای آن همکاران و شاگردانش بودند.

در پی پیروزی کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و در شرایطی  
که رژیم کودتا برای تأمین ثبات خود کارزار وسیعی بر ضد  
نیروهای ملی و آزادی خواه، خصوصاً حزب توده ایران سازمان  
دهی کرده بود و صدها توده ای، از جمله شمار زیادی از افسران  
شریف و میهن دوست توده ای گروه گروه به جوخه های مرگ  
سپرده می شدند، رفیق خسرو روزبه، همچون صدای رسای  
مقاومت خلق در بیدادگاه های نظامی رژیم کودتا بپا خاست و با  
دفاع دلیرانه از جنبش آزادی خواهی مردم میهن ما و با دفاع از  
آرمان های انسانی و والای طبقه کارگر ایران و حزب آن، حزب  
توده ایران، افکار عمومی ایران و جهان را متوجه جنایاتی ساخت  
که به دست رژیم سر سپرده کودتا تکوین می یافت. دفاعیات  
خسرو روزبه، این قهرمان خلق، رزمنده بی باک و انقلابی جسور  
، سرشار از عشق به خلق و آرمان های انسانی بود. او راه بهروزی  
خلق را در سوسیالیسم دید و تبلور سوسیالیسم در میهن مان را در  
برنامه ها و آرمان های حزب توده ایران یافت. او به این راه عشق  
می و رزید و تا آخرین دم زندگی خود با غرور از آن دفاع کرد.  
روزبه در دفاع از آرمان های خویش، در بیدادگاه رژیم شاه  
گفت: «من به اقتضای آتشی که به خاطر خدمت به خلق های  
ایران در درون سینه ام شعله می کشد، راه حزب توده ایران را  
برگزیده ام و باید اذعان کنم که جانم، استخوانم، خونم،  
گوشتم، و پوستم و همه تاروپود وجودم این راه را راهی مقدس

**آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!**



## ادامه زیر مهیز اشغالگران نمی توان ...

نادر با شبکه های تلویزیونی کشورهای عربی و معذرت خواهی از قربانیان این تعدیات و خانواده های آنان، سعی کرد خود را از ابعاد واقعی این جنایات بی اطلاع جلوه دهد. سران دولت آمریکا و مقامات عالی رتبه ارتش سعی دارند خود را در پشت این ادعا پنهان کنند که تا همین دو هفته قبل و تا زمان انتشار این تصاویر در نشریات و رسانه ها هیچ گونه اطلاعی در مورد این عملکرد جنایتکارانه نداشته اند. اما واقعیت اینست که درست از همان روزهای اول پس از اشغال عراق گزارش های متعددی در رابطه با چنین عملکردی در اختیار فرماندهان عالی رتبه ارتش های اشغالگر قرار گرفته بود. کمیته بین المللی صلیب سرخ، سازمان دیصلاح بین المللی در رابطه با شرایط رفتار با زندانیان جنگی و سازمان عفو بین الملل اعلام کرده اند که در طول سال گذشته گزارش های دقیق و مبتنی بر شواهد غیرقابل تکذیب در رابطه با نوع رفتار با زندانیان عراقی و شکنجه و بدرفتاری سیستماتیک با آن ها به مقام های انگلیسی و آمریکایی تسلیم کرده اند که تا کنون مورد توجه قرار نگرفته است. پیتیر کراهن بول، مدیر عملیاتی کمیته بین المللی صلیب سرخ در رابطه با گزارش های ارائه شده به مقامات ارتش های اشغالگر گفت: بد رفتاری با زندانیان «یک عملکرد منحصر به فرد نبود بلکه مطابق با یک الگو صورت گرفته است. این عملکرد سیستماتیک بود و فقط هم محدود به ابوغریب نمی شود». گزارش های مستند کمیته بین المللی صلیب سرخ و عفو بین الملل کاتالوگ وسیعی از بدرفتاری با زندانیان را شرح می دهد. یک گزارش حاکی از این است که در روز اول آذرماه ۱۳۸۲ هنگامیکه زندانیان در اعتراض به شرایط حیات و برخورد با خود دست به اعتراض می زدند، از سوی نیروهای اشغالگر به گلوله بسته شده و سه نفر آنان کشته می شوند.

تبعات سیاسی فاش شدن عملکرد غیرانسانی نظامیان آمریکایی در عراق و نفرت گسترده افکار عمومی تا آنجا بوده است که حتی برخی از دولت های عضو ناتو نسبت به آن اعتراض کرده اند. حوزه دورانو باروسو، نخست وزیر پرتغال، کشوری که خود در عراق نیروی نظامی دارد بدرفتاری در زندان ابوغریب را «شرم آور، تنفر آمیز، خفت آمیز و تهوع آور» خواند. او در اظهاراتی در روز ۲۱ اردیبهشت ماه گفت: «تحت نام مبارزه برضد تروریسم و بخاطر دموکراسی، نمی توان آن ارزش ها و اصولی را که این مبارزه بر پایه آن بنا شده، نقض کرد.» «ما انزجار خودمان از چنین عملکردی و ضرورت پیدا کردن مقصران اصلی و دادگاهی کردن و مجازات مسبین این اعمال شرم آور را به دولت آمریکا تأکید کرده ایم.»

## تصاویر گویای اشغالگری!

به گزارش رسانه های جهان فرماندهان ارشد نظامی آمریکا در عراق در اوایل سال جاری میلادی، در عکس العمل به سئوالات مطرح شده در برخی گزارش های عملیاتی و همچنین اظهار نظر شاهدان عینی در مطبوعات، در مورد بدرفتاری نظامیان آمریکایی با زندانیان عراقی، دستوره انجام تحقیقاتی را در این باره صادر کردند. نتایج این تحقیق که مسئولیت آن به عهده تیمسار «آنتونیو تاگوبا» گذاشته شده بود و در یک گزارش محرمانه داخلی ۵۳ صفحه ای منعکس گردید، انفجاری بود. گزارش تیمسار تاگوبا دربردارنده بسیاری موارد «نقض جنایتکارانه، سادیستی، عریان و شریانه» حقوق انسانی و دموکراتیک زندانیان عراقی توسط نظامیان ارتش آمریکا در زندان «ابوغریب» می باشد. «تاگوبا» با تأکید بر نقض سیستماتیک و غیرقانونی حقوق زندانیان و قوانین بین المللی توسط اعضای گردان ۳۲۰ دژبان و همچنین توسط نیروهای امنیتی آمریکایی متذکر می شود که شواهد قابل ملاحظه عملکرد از مدت ها قبل به صورت «اظهارات شاهدان عینی و همچنین عکس های بسیار زننده و گویایی که توسط سربازان آمریکایی از این وقایع برداشته شده» در دسترس مقام های عالی رتبه ارتش آمریکا بوده است. او با کلماتی کاملاً صریح می گوید: «نظامیان آمریکایی مرتکب عملیات وحشت بار و نقض فاحش قوانین بین المللی در زندان ابوغریب شده اند ..... عملکردی سادیستی، رسوا و جنایتکارانه». یکی از مسئولان زندان ابوغریب که در این جنایات سهیم

بوده است در توجیه اقدامات خود در مصاحبه ای به خبرنگاران اظهار داشت: «سازمان اطلاعات ارتش ما را تشویق کرده است و کار ما را «بسیار درخشان» قلمداد کرده است... ما در شکستن مقاومت این زندانیان موفقیت زیادی داشتیم. آن ها معمولاً در عرض چند ساعت می شکستند.» گزارش ژنرال تاگوبا مشخصاً اشاره می کند که «بدرفتاری سیستماتیک و غیرقانونی با زندانیان عامدا صورت می گرفته و عاملان آن از سوی نیروهای امنیتی و اطلاعاتی ارتش تشویق به استفاده از شکنجه و هرگونه ابزاری برای «نرم کردن» مقاومت زندانیان با هدف «تضمین موفقیت روند بازجویی» از آنان می شده اند. چنین عملکرد سیستماتیکی نمی توانسته است بدون اطلاع و تأیید سلسله مراتب فرماندهی نظامی آمریکا صورت گرفته باشد. مشخص است که تبعات سیاسی این گزارش ها و عکس العمل افکار عمومی جهان شدیداً سران و سیاست گذاران کشور های بزرگ سرمایه داری را نگران کرده است. این نگرانی به این دلیل است که برای اولین بار در ۱۳ ماهه گذشته سیاست مداران کشورهای سرمایه داری بزرگ قادر به ارائه هیچ توجیهی برای عملکرد جنایتکارانه نیروهای امنیتی و نظامی خود، در مقابل افکار عمومی نه فقط در عراق و کشورهای عربی بلکه در اروپا و آمریکا نیستند و جنگ و اشغال عراق می رود که به عامل تعیین کننده بی در نتیجه انتخابات پارلمان اروپا در خرداد و ریاست جمهوری ایالات متحده در آبان ماه تبدیل شود.

واقعیت اینست که تصاویر زندانیان لخت و چشم بسته که مورد اذیت و استهزاء زندانبانان آمریکایی و انگلیسی خود قرار گرفته اند و گزارش در مورد مرگ زندانیان عراقی زیر دست زندان بانان، آخرین توجیه حمله نظامی ایالات متحده و انگلستان و متحدانشان را به عراق زایل کرده است. جورج بوش و تونی بلر در ماه های قبل از شروع جنگ و در آغاز آن سه دلیل «لژوم انهدام سلاح های امحاء جمعی عراق»، ادامه مبارزه با تروریسم و نهایتاً گسترش دموکراسی و حقوق بشر در عراق را توجیه کننده بی توجیهی به افکار عمومی جهان می شماردند. در همان هفته های اولین پس از اشغال مشخص شد که همانگونه که مسئول هیئت بازرسی سازمان ملل گزارش داده بود هیچ نشانه ای از وجود سلاح های امحاء جمعی در عراق وجود ندارد. در رابطه با اینکه جنگ برضد عراق در چهارچوب ادامه «مبارزه با تروریسم» و «القاعده» صورت گرفت، نیز اکنون با توجه به وسعت گرفتن حملات تروریستی در همه مناطق عراق در دوره اشغال و اصولاً رشد تروریسم در نتیجه حمله و اشغال عراق، می توان نتیجه گیری ضروری را انجام داد. و نهایتاً گزارش های افشاء گرانه در مورد ابعاد وسیع و بی سابقه نقض حقوق بشر زندانیان آخرین توجیه جنگ را نیز از کف سیاستمداران آمریکایی - انگلیسی مدافع اشغال گرفت. کاخ سفید سعی دارد که برای محدود کردن مسأله تقصیر این جنایت را به گردن دژبان های رده پائین مستقر در زندان بیندازد، اما افکار عمومی جهان با توجه به ابعاد فاش شده این جنایات به هیچ صورت قبول ندارد که مسئولیت فقط به گردن عاملان بلاواسطه این جنایات است. جورج بوش، فرمانده کل قوای آمریکا، شخصی که با نقض قوانین بین المللی دستور حمله به عراق و اشغال این کشور را صادر کرد، می بایست در این رابطه پاسخگو باشد.

سران کشورهای اشغالگر سعی کرده اند که با محکوم کردن این رخداد ها آن ها را اتفاقات استثنایی و غیرمتعارف جلوه دهند. اما واقعیت اینست که اتفاقاً آنچه این تصاویر نشان می دهند، در راستای عملکرد هر نیروی تجاوزگر و اشغالگری است. نیروهای نظامی آمریکا و همتایان اروپایی آنان در تداوم عملکرد تاریخی همه نیروهای اشغالگر و متجاوز عمل کرده اند. اشغالگران هیچگاه و برای هیچ خلقی شرف و عزت و حقوق بشر و رفتار انسانی به ارمغان نیاورده اند، که در مورد عراق استثنایی اتفاق افتاده باشد. در طول تاریخ نیروهای اشغالگر همواره برای نمایش قدرت، برتری و حاکمیت خود به چنین جنایاتی دست زده اند. مردم ویتنام، مالایا، کنیا، ایرلند شمالی، پاناما، کلمبیا به این امر شهادت می دهند. داستان های شکنجه اسیران دیگر راز سر به مهر نیست. در ویتنام نیروهای آمریکایی زندانیان را زنده از هلیکوپتر به پائین پرت می کردند تا روحیه دیگر زندانیان را خرد کنند و به حرفشان بیاورند. قتل عام ۵۰۰ ساکن بیگناه دهکده «امای لای» را همگان می دانند. چنین تبه کاری هایی فقط منحصر به امپریالیسم آمریکا نیست. جنایات

## ادامه زیر مهییز اشغالگران نمی توان ...

ارتش فرانسه در الجزایر و یا جنایات هولناک ارتش بلژیک در کنگو و شکنجه و قتل فجیع پاتریس لومومبا، سیاستمدار برومند کنگو هنوز در خاطره افکار عمومی جهان باقی است.

## چه باید کرد؟

تنها راه متوقف کردن این عملکرد غیرقانونی گذاشتن نقطه پایان بر اشغال عراق، یعنی آن چارچوبی است که این جنایات هولناک بر بستر آن توجیه و به مرحله اجرا در آمده است. روند انتقال واقعی کنترل حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی عراق به مردم آن باید بلافاصله آغاز شود و این ممکن نیست مگر از طریق تضمین نظارت سازمان ملل متحد بر این روند.

ایالات متحده و متحدان آن از همان اولین زمره های شروع جنگ با عراق هدفمندانه تمام تلاش خود را متوجه این امر کردند که سازمان ملل نقش مهمی و مرکزی در هیچ مرحله ای از تحولات عراق بازی نکند. مواضع سرسخت جورج بوش و همراهان نولیبرالش در دولت آمریکا برای جلوگیری از اینکه برخورد با رژیم دیکتاتوری حاکم بر عراق بر طبق قطعنامه ها و مصوبه های سازمان ملل باشد، کاملاً آگاهانه و در سمت کنترل پیشبرد روند شکل دهی اوضاع سیاسی در عراق و بقیه خاورمیانه بر طبق طرح های مشخص و اهداف و منافع سرمایه داری آمریکا بوده است. ایالات متحده در یکساله اخیر با هدف کنترل شکل گیری روند سیاسی و نتایج آن در محدوده منافع استراتژیک خود، در تامین حضور سازمان ملل اشکال آفرینی کرده است. مقام های آمریکایی حتی در شرایط کنونی نیز خواهان نقش واقعی، کلیدی و تعیین کننده بی برای سازمان ملل نیستند بلکه قصد دارند که با تدارک حضور محدود نمایشی آن پوششی قانونی برای ادامه عملکرد تجاوزگرانه خود پیدا کنند. نیروهای مترقی منطقه خاورمیانه با توجه به شرایط مشخص جاری، موازنه نیروها و امکانات موجود بر این باورند که تامین نقشی تعیین کننده و جامع برای سازمان ملل در نظارت بر روند اعاده حاکمیت سیاسی توسط مردم عراق و خاتمه دادن به اشغال نظامی ضرورتی حیاتی دارد. پس از سقوط رژیم صدام، نیروهای دموکراتیک این کشور که برای بازسازی ساختارهای مردمی و دموکراتیک که توسط رژیم دیکتاتوری نابود شده بودند، مبارزه می کنند، طرفدار اتخاذ یک راه صلح آمیز برای اعاده حاکمیت ملی در کشورشان که در چهارچوب حضور موثر سازمان ملل ممکن است، بوده اند. ادامه درگیری های خونباری که محصول مستقیم عملکرد نیروهای اشغالگر بوده و موج خشونت مشکوکی که در سال گذشته مشخصاً مراکز و شخصیت های سازمان ملل و سازمان های غیردولتی فعال در کمک رسانی را هدف قرار دادند، عملاً مانع این شده است که در شرایط کنونی کشورهای عضو سازمان ملل به سادگی خواهان قبول مسئولیت برای نظارت بر روند تحویل حاکمیت به مردم عراق و اعاده حاکمیت قوانین بین المللی در این کشور بشوند. جنبش صلح جهانی با درک این امر شعار مشخص پایان اشغال نظامی را در دستور کار خود قرار داده و خواستار این امر است که حاکمیت سیاسی عراق به مردم این کشور بازگردد.

ما معتقدیم که با انتقال کنترل و نظارت کامل بازسازی و دموکراتیزه کردن حیات اجتماعی و سیاسی در عراق به سازمان ملل و تامین نظارت بین المللی بر روند خاتمه دادن به اشغال نظامی، امکان اعمال نفوذ سیاسی و اقتصادی ایالات متحده بر تحولات این کشور محدود تر خواهد شد. و این امری است ضروری و به نفع زحمتکشان عراق که نمی تواند بر ابعاد درگیری های خونین این کشور که تاکنون خسارات انسانی، اجتماعی و اقتصادی عظیمی وارد کرده است، بی تاثیر باشد. تامین نقش محوری و همه جانبه سازمان ملل متحد در عراق همچنین تضمینی برای نظارت بر رعایت حقوق بشر، حرکت به سمت تحقق دموکراسی و جلوگیری از وقوع جنایاتی است که وجدان بشریت را شدیداً برانگیخته است.

## شرکت نماینده حزب توده ایران در سمینار بین المللی

## احزاب کارگری

## ۱۴-۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ بروکسل - بلژیک

سیزدهمین سمینار بین المللی احزاب چپ و کارگری، در طی سه روز، از روز ۱۲ اردیبهشت ماه در بروکسل پایتخت بلژیک برگزار شد. در این سمینار که هرساله در این کشور به میزبانی «حزب کار بلژیک» برگزار می شود ۶۶ نماینده از احزاب و سازمان های چپ و کمونیست از کشورهای مختلف جهان شرکت داشتند. دهها حزب و سازمان دیگر هم حمایت خود از برگزاری و دستور کار این اجلاس را، با ارسال پیام اعلام کرده بودند. شرکت هیئت های نمایندگی حزب کمونیست کوبا و حزب کار جمهوری دموکراتیک کره به لحاظ سیاست های تهدیدآمیز ایالات متحده آمریکا بر ضد این دو کشور و هم چنین شرکت هیئت نمایندگی شورای ملی فلسطین که مردم کشورشان همه روزه آماج حملات خونین دولت شارون هستند، جلوه ویژه بی به سمینار داده بود. به دعوت رسمی «حزب کار بلژیک»، هیئت نمایندگی حزب توده ایران برای دومین بار به صورت رسمی در این سمینار شرکت داشت. موضوع محوری بحث ها، گزارش ها و گفتگوها پیرامون استراتژی و تاکتیک نیروهای چپ در رویارویی با سیاست های جنگ طلبانه و برتری جویانه امپریالیسم آمریکا در سطح جهان بود. در آغاز جلسه رفیق لودو مارتنز رئیس «حزب کار بلژیک» گزارشی در باره شرایط کنونی جهان و رشد مبارزه مردم جهان در برابر سیاست های تجاوزگرانه و جنگ افروزان امپریالیسم آمریکا ارائه داد و خواستار همبستگی سمینار با مقاومت تحسین برانگیز مردم کوبا و کره شمالی شد. رفیق مارتنز در بخش دیگری از سخنانش، پس از اشاره به اختلاف نظرانی که در گذشته در جنبش کمونیستی وجود داشته و اثرات مخرب آن، وظیفه احزاب و سازمان های چپ را تلاش جمعی، تبادل نظر و گفتگو بر سر زمینه های ضروری برای کار عملی متحد و هماهنگ جنبش کارگری در جهت مبارزه برای صلح، برضد جنگ طلبی و در دفاع از مبارزات خلق ها دانست. سپس اجلاس، بر اساس برنامه از پیش تنظیم شده به کار خود ادامه داد. در طی سه روز متوالی نمایندگان احزاب و سازمان های کمونیست - کارگری حاضر گزارش ها و تحلیل های خود را پیرامون اوضاع جهانی و سیاست های جنگ افروزان امپریالیسم آمریکا و وظایفی که پیش روی نیروهای مترقی و دموکراتیک چپ است، به سمینار ارائه دادند. در اولین روز اجلاس، نماینده حزب توده ایران گزارش جامعی پیرامون تحلیل حزب توده ایران از اوضاع جهان، خطرات جنگ و جنگ افروزی نیروهای راست، تفکر نولیبرالی حاکم بر دولت آمریکا، چگونگی روند «جهانی شدن» سرمایه داری، تاثیرات مخرب سیاست گذاری نولیبرالی بر جهان، اهداف و استراتژی امپریالیسم جهانی در منطقه خلیج فارس و تبعات اشغال نظامی عراق و وظایف نیروهای چپ و مترقی جهان در شرایط کنونی، به سمینار ارائه داد، که مورد استقبال احزاب طول سمینار با هیئت نمایندگی کشورهای مختلف به ویژه نماینده های حزب کمونیست کوبا، حزب کمونیست ترکیه و شورای ملی فلسطین و نیروهای سیاسی افغانستان ملاقات و آنها را در جریان تحولات سیاسی ایران و تحلیل های حزب توده ایران قرار داد. هم چنین، از سوی میزبان اجلاس شب همبستگی با مردم کوبا و کره تدارک دیده بود که هیئت نمایندگی این کشورها در جریان آن، میهمانان را در جریان آخرین تحولات سیاسی، اقتصادی و سیاسی کشور خود قرار دادند.

در آخرین روز سمینار، قطعنامه نهایی اجلاس، پس از بحث و مذاقه، به تصویب شرکت کنندگان رسید. سمینار بین الملل بروکسل پس از ۳ روز کار منظم در محیطی گرم و سازنده به کار خود پایان داد.

## ادامه مرثیه یی بر سیاست مماشات ...

تو مانده ایم. احمد پورنجاتی با بیان این بیت، آمده بود تا عملکرد فرهنگی مجلس ششم را بگوید. در آغاز سخن، آن جلسه را که انصاری صمیمانه خوانده بود، به مجلس ترحیمی تشبیه کرد با این تفاوت که متوفیان در جلسه حاضرند... پورنجاتی خطاب به خاتمی گفت که می خواهد مصیبت نامه و وصیتنامه بخواند و پیامی که او می خواست بیان کند این بود که اجازه ندهند مجلس از فلسفه وجودی خود که صیانت از کیان ملی است، دور شود و مثالی آورد از صمد بهرنگی که اگر مولای درز آن رود بعدها کنده و درخت هم خواهد رفت... خاتمی از جمله دیگر سخنرانان این نشست بود که ضمن اشاره به مشکلات دولت گفت: «بیایید نگذاریم در کشمکش های سیاسی و جناحی، خواست مردم آسیب ببیند. انشاءالله در ورای جناح بندی ها همه بتوانیم مجلس ایران را تقویت کنیم. اگر مجلس تقویت شود، رهبری هم تقویت می شود، قوه قضائیه هم تقویت می شود، حکومت تقویت می شود و مردم سالاری دینی تقویت می شود... رئیس دولت از یک بیماری نام برد. بیماری یی که تلاش دارد تا یک سلیقه خاص حاکم شود و گلابه کرد از اینکه اگر چنین خواسته می شود دیگر چرا برای کسب اکثریت دغدغه وجود دارد؟ خاتمی تأکید داشت بر حل این بیماری که بخشی از آن را برگرفته از بیماری استبداد تاریخی و بخشی از آن را برگرفته از شکل نگرش ارکان و اجزای مردم سالاری دانست...»

جلسه «شام آخر مجلس با دولت» را باید به جلسه مرثیه خوانی بر فرصت های از دست رفته و در عین حال ادامه عناد و لجاجت بر سیاست های نادرست و نا آموختن از تحریبات گذشته تشبیه کرد. آقای بورقانی از عبور از مرزهای ممنوعه سخن می گوید ولی واقعیت این است که به جز هفته های آخر پیش از برگزاری انتخابات مجلس هفتم و تنها آنگاه که مجلسیان از قلع و قمع فله یی هزاران نامزد انتخاباتی مطلع شدند، مجلس مقاومت جدی در برابر تهاجمات گسترده ارتجاع نکرد. تسلیم در برابر «حکم حکومتی» ولی فقیه، بی عملی و سرانجام تسلیم در برابر لوایح فرماندوم، اختیارات رئیس جمهوری، و نظارت استصوابی و همچنین بی عملی برای بازپس گرفتن لایحه خارج کردن کارگران کارگاه های کوچک از شمول قانون کار و همچنین سیاست های اقتصادی اتخاذ شده از سوی مجلس و دولت، در مجموع کارنامه ضعیف و منفعلی است که نتیجه آن امروز همان مصیبت خوانی است که آقای پورنجاتی از آن سخن می گوید. ادامه سیاست های اقتصادی دولت هاشمی در زمینه خصوصی سازی زیر لوای «سپردن کار به مردم» در کنار ادامه بی توجهی جدی به مسأله عدالت اجتماعی، که از قول های انتخاباتی آقای خاتمی به مردم بود نه تنها کمکی به اصل تحقق خواست های مردم نکرد بلکه به از بین رفتن هزاران واحد تولیدی کوچک، افزایش بیکاری و تشدید فقر و محرومیت بیش از پیش اکثریت زحمتکشان میهن ما منجر شد.

آقای خاتمی در سخنان خود در عین صحبت از بیماری تاریخی استبداد از ضرورت تقویت نهادهایی سخن می گوید که اساس استبداد در ماهیت و عمل کرد آنها خلاصه شده است. نهاد «رهبری» یعنی ولایت مطلقه فقیه و دستگاه «قوه قضائیه» ستون اساسی سرکوب خواست آزادی خواهانه مردم بوده و هستند و بنابراین نمی توان با تقویت آنها به تحقق «مردم سالاری» کمک کرد. نیاموختن از تجربیات هفت سال گذشته و تکرار شعارها و سیاست هایی که نقش مهمی در از بین رفتن یک فرصت تاریخی در میهن ما به عهده داشته است شرح مصیبتی است که در «آخرین شام دولت و مجلس» شاهد آن هستیم و در واقع این میهمانی، جلسه ترحیم سیاست های مماشات گری و سازش بود که متوفیان آن یعنی دولت و مجلس در آن حضور داشتند.

خاتمی در انتهای سخنان خود این سؤال را طرح کرد که: «چه می شد که اجازه داده می شد تا شعارهای مردم سالاری و حفظ حق و حرمت مردم جنبه عملی بگیرد و آثار عملی آن دیده شود. آن وقت به جای اینکه اینها را

عملی کنیم، بیاییم در خیابان ها جوان ها را بگیریم و شلاق بزنیم؟ چه اشکال داشت به جای شلاق زدن و به جای اینکه سنگسار در دوره اصلاحات چند برابر شود، به همین بخشنامه ای که الان داده شده عمل می کردیم». به نظر می رسد پاسخ این سؤال برای همه مردم ما روشن است. سرکوب عقاید، شکنجه و اعمال غیر انسانی که خاتمی از آنها یاد می کند بخش جدا ناپذیری از ماهیت رژیم ولایت فقیه است که با موعظه و نصیحت قابل تغییر نیست. تنها با طرد رژیم استبداد قرون وسطایی ولایت فقیه است که می توان به یک ایران آزاد، دموکراتیک و مردمی دست یافت. برای تحقق این خواست و نیاز جامعه باید مبارزه مستقل مردم و نیروهای اجتماعی را سازمان دهی کنیم. مرثیه خوانی برای فرصت های از دست رفته نه کمکی به امروز است و نه پاسخ شایسته یی به نیازهای فردای جامعه ما.

## ادامه «نه» مردم قبرس به ...

خاورمیانه ایجاد می کند که حتی مشروعیت آن سؤال برانگیز تر از اوضاع حاکم در کوسوو و بوسنی است. پاپاریکا اضافه کرد که بر طبق طرح کوفی عنان قبرس به سه بخش تقسیم خواهد شد، دو بخش بر پایه مشخصات قومی و همچنین بخش پایگاه های نظامی انگلیس که تقویت و حمایت خواهد شد و در این مسیر به یک ناو هواپیمابر غرق نشدنی تبدیل می شود که ایالات متحده نیز می تواند از آن استفاده کند. چنین کشوری حتی در دوره استعمار هم وجود نداشت. .. آیا قبرس و منطقه دریای اژه بهایی است که ترکیه در قبال ایجاد یک کشور کرد در شما عراق خواستار آن شده است. به دنبال اعلام نتیجه همه پرسی، دیمتری کریستوفیاس، دبیر اول حزب کمونیست قبرس (آکل)، در بیانیه یی از جمله گفت: «من احترام ویژه خودمان را به نتیجه همه پرسی، چه در بخش یونانی نشین و چه در بخش ترک نشین ابراز می کنم. از دیدگاه ما، این نتیجه، به ویژه در جامعه یونانی قبرس، موقعیتی برای جشن گرفتن نیست، این یک موقعیت برای فکر کردن و اندیشیدن در مورد فراداست». او در این بیانیه، نتیجه فرماندم را تاییدی بر وجود نقص های جدی در طرح سازمان ملل دانست که در آن تضمین های لازم برای امنیت بخشی یونانی نشین در نظر گرفته نشده بود و این که برخی مسایل در طرح یا اصلاً مطرح نشده بودند و یا این که کاملاً نامشخص بودند. او در بخشی دیگر از بیانیه گفت: «..... رهبران سیاسی باید این مسأله را کاملاً برای خود مشخص کنند که نتیجه همه پرسی در بخش یونانی نشین قبرس به مفهوم رد کردن تلاش برای حل مشکلات قبرس نیست. این پیام غلطی خواهد بود که تنها مارا به انزوا خواهد کشاند.»

حل مسأله قبرس سال های متمادی است که به علت حضور نظامی گسترده ارتش ترکیه در این جزیره و نامشخص بودن شرایط بازگشت یونانی های رانده شده از بخش شمالی آن، پس از اشغال نظامی توسط ترکیه، لاینحل باقی مانده است. آکل به همراه دیگر نیروهای مترقی قبرس، تلاش های فراوانی را برای حل مشکلات فعلی، انجام داده است. اما مواضع انعطاف ناپذیر رهبران دولت غیرقانونی شمال قبرس و حامیان آن و عدم وجود هرگونه اطمینانی به محترم شمردن استقلال و امنیت این جزیره در آینده، مشکلات فراوانی را ایجاد کرده است و از موانع اصلی رسیدن به یک راه حل منطقی به شمار می رود. از سوی دیگر ادامه و قانونی محسوب شدن حضور نظامی ارتش ترکیه، متحد نظامی آمریکا و از اعضای فعال ناتو، می تواند زمینه ساز حضور گسترده آمریکا در قبرس نیز شود. آن چه که مخالفت جدی بخش یونانی نشین و نیروهای مترقی بخش ترک نشین جزیره را به همراه دارد و در اساس خطری جدی برای امنیت کل قبرس است.

خروج نیروهای نظامی ترکیه از جزیره، ایجاد شرایط مشخص برای بازگشت یونانی های رانده شده به زمین های خود و دست یابی به یک توافق همه جانبه برای تشکیل یک کشور واحد، با در نظر گرفتن حقوق مساوی برای همه اهالی، اعم از یونانی و ترک، از اولین گام های موثر راه حل مشکلات قبرس است. بدون حل این مسایل، مشکلات این کشور همچنان پابرجا خواهند ماند و با گذشت زمان نیز پیچیده تر خواهند شد.



## «نه» مردم قبرس به طرح «کوفی عنان»

مردم قبرس در فروردین در مورد طرح پیشنهادی «کوفی عنان»، دبیر کل سازمان ملل متحد، برای وحدت دو بخش شمالی و جنوبی یونانی این کشور، با رای منفی یک پارچه خود، این طرح را با شکست مواجه ساختند. نتیجه این رای گیری به مفهوم عدم ورود کل قبرس به عنوان یک کشور واحد به اتحادیه اروپا است که قرار بود در روز اول ماه مه انجام پذیرد. بر همین اساس نیز قوانین اتحادیه اروپا در حال حاضر تنها شامل بخش جنوبی جزیره خواهد بود. قبرس به دنبال حمله نظامی ارتش ترکیه در سال ۱۹۷۴ و اشغال بخش شمالی آن از طرف ترکیه، که در هم آهنگی با رژیم فاشیستی یونان صورت گرفت، به دو قسمت تقسیم شد. در نتیجه این حمله نظامی و موج تروری که از سوی ارتش ترکیه به راه افتاد، همه یونانی الاصل های بخش شمالی وادار به ترک خانه و زمین خود شدند. اشغال نظامی قبرس و اقدام ترکیه از سوی سازمان ملل و قطعنامه های شورای امنیت به کرات محکوم شناخته شده است. در سه دهه گذشته تنها بخش یونانی نشین و دولت آن به عنوان نماینده قبرس در مجامع بین المللی به رسمیت شناخته شده اند و دولت دست نشانده مستقر در بخش شمالی که عمدتاً ترک نشین است، تنها از سوی ترکیه به رسمیت شناخته می شود. طرح ارایه شده از سوی کوفی عنان از همان آغاز به علت نقایص آن، با مخالفت جدی دولت قبرس و احزاب سیاسی این کشور مواجه شد و روسیه نیز آن را وتو کرد. با این حال آمریکا و انگلستان، متحدان استراتژیک ترکیه عضو ناتو، از این طرح پشتیبانی کردند. در همین رابطه، ریچارد بوچر، سخنگوی دولت آمریکا، برای وادار کردن بخش یونانی نشین به قبول این طرح، به دولت قبرس اخطار کرد که در صورت عدم موفقیت این طرح، کمک های مالی آمریکا به این کشور مورد تهدید قرار خواهد گرفت. پس از اعلام نتیجه رای گیری خبرگزاری بی بی سی در روز ۲ ماه مه، گزارش داد که کالین پاول طی هفته اول ماه مه با نخست وزیر بخش ترک نشین قبرس، محمد علی طلعت، دیدار خواهد کرد. این اولین دیدار یک مقام بلند پایه آمریکایی از بخش ترک نشین قبرس است. همچنین اتحادیه اروپا نیز اعلام کرد که در پاسخ به رای یکپارچه ساکنان بخش شمالی قبرس بیش از ۲۵۹ میلیون یورو به دولت غیرقانونی آن کمک خواهد کرد. رییس جمهور دموکرات قبرس، «تاسوس پاپادوپولوس»، پس از اعلام نتیجه همه پرسی، گفت: «این امر به مفهوم پشت کردن یونانی های قبرس به ترک های قبرس نیست.... آنها (یونانی ها) تنها به این علت طرح را رد کردند که فقط تامین کننده منافع بخش ترک نشین بود.»

طرح سازمان ملل متحد خواستار تشکیل جمهوری فدراتیو مرکب از دو کشور دارای حقوق برابر، تحت یک حکومت مرکزی ضعیف بود. این طرح همچنین خواستار کم شدن تدریجی نیروهای نظامی ترکیه در بخش شمالی و بازگشت یونانی ها به این منطقه بود. در حال حاضر بیش از ۴۰ هزار سرباز ارتش ترکیه در بخش اشغالی جزیره حضور دارند که قرار بود بنا به این طرح تا سال ۲۰۱۸ به تعداد ۱۶۰۰ نفر کاهش یابد. اما در فروردین انجام شده، ۷۶ درصد یونانی ها با این طرح مخالفت کردند، در حالی که ۶۵ درصد ترک ها به آن جواب مثبت دادند. علت اصلی مخالفت مردم قبرس، عدم تضمین های کافی برای خروج نیروهای ترکیه از شمال قبرس پس از وحدت دو بخش و عدم شرایط مشخصی برای چگونگی بازگشت یونانی های بیرون رانده شده به زمین ها و خانه هایشان بوده است. پیش از همه پرسی برای این طرح، آکل (حزب کمونیست قبرس و بزرگترین حزب سیاسی در این کشور)، خواستار به تعویق افتادن این همه پرسی و ایجاد تغییرات لازم برای مشخص تر شدن طرح و بر طرف کردن نقایص آن، شده بود. آکل سال های متمادی برای وحدت دو بخش قبرس تلاش کرده است و خواستار ایجاد یک کشور واحد که در آن همه مردم، اعم از ترک و یا یونانی، دارای حقوق مساوی هستند، است.

حزب کمونیست یونان نیز مخالفت خود را از قبل با طرح «کوفی عنان» اعلام کرده و خواستار رای «نه» و وسیع مردم قبرس در فروردین شده بود. آکلا پارایگا، دبیر کل حزب برادر، در یک کنفرانس مطبوعاتی متعاقب اجلاس رهبران احزاب سیاسی یونان در مورد مساله فروردین در قبرس در ۱۵ آوریل، در بیان مخالفت کمونیست های یونان با طرح «کوفی عنان» گفت: ما از رای «نه» حمایت می کنیم چرا که این طرح متضمن به وجود آوردن یک فدراسیون ملی مرکب از دو قومیت و دو منطقه نخواهد بود، بلکه بر عکس کشوری تحت الحمایه را در مدیترانه و در مسیر نفت

## ادامه مبارزه برای آینده یی روشن ...

بازگرداندن چاوز به مقام ریاست جمهوری اقدام کردند. بنابراین نیروی عمده ما برای دفاع کشور از دخالت خارجی، اتحاد مردم و ارتش است. هم اکنون چاوز از پشتیبانی ۹۸ درصد ارتش برخوردار است. راه های دیگری نیز برای دفاع از انقلاب بکار گرفته می شوند. فراموش نکنید که ونزوئلا، یکی از بزرگترین صادر کنندگان نفت و پنجمین کشور تولید کننده نفت در جهان است. ونزوئلا روزانه دو میلیون بشکه نفت به ایالات متحده آمریکا صادر می کند. این به نوبه خود هم سلاح اقتصادی و هم سلاح سیاسی است. با در نظر گرفتن این نکته که ونزوئلا دارای نقشی تعیین کننده در تولید نفت دارد می توان با کاربست این واقعیت گام هایی برای دفاع خودمان برداریم. ما توانمندی یافتن راهکارهای دفاع از خود را با در نظر گرفتن نقش پراهمیت ونزوئلا در تولید نفت جهان، داریم. بحر حال مهمترین تضمین در مقابل دخالت خارجی و داخلی و ماندگاری ریاست جمهوری چاوز بستگی به اراده مردم و ارتش دارد.

**بریتون:** آیا پشتیبانی کشورهای منطقه از انقلاب ونزوئلا رضایت بخش است؟

**ویواس:** خوشبختانه تا بحال حمایت کشورهای آمریکای لاتین و دریای کارائیب از ونزوئلا بسیار استوار بوده است زیرا دولت و رییس جمهوری ما با شیوه یی کاملاً دموکراتیک انتخاب گردیده اند. چاوز دو بار در انتخابات سراسری پیروز شده است: یک بار با ۵۳ درصد آراء در سال ۱۹۹۸، و یک سال و نیم پس از آن با ۵۸ درصد آراء.

رییس جمهوری ونزوئلا در انتخاباتی سراسری و مستقیم انتخاب شده است. هر شهروندی از ۱۸ سال به بالا، می تواند در انتخابات شرکت نماید. بنابراین رییس جمهوری با ۵۸ درصد آرای مردم با شیوه ای بسیار دموکراتیک و مستقیم انتخاب شد. برای همین است که ونزوئلا از پشتیبانی استوار کشورهای منطقه و کشورهای دیگر دنیا برخوردار است. این پشتیبانی در فعالیت های سازمان کشورهای آمریکا، سازمان ملل و دیگر سازمان های چند جانبه و چند ملیتی، در عمل نشان داده شده است. همانطوری که گفته شد پشتیبانی از دولت و رییس جمهور ونزوئلا استوار بوده است اما از همه مهمتر پشتیبانی مردم آن کشورها، به ویژه آمریکای لاتین و دریای کارائیب است. تردیدی نیست که در دنیا پشتیبانی گسترده یی از انقلاب بولیواری می شود.

**بریتون:** موضع ونزوئلا در مقابل طرح منطقه تجارت آزاد کشورهای آمریکا (FTAA) چیست؟

**ویواس:** همان طور که می دانید ایالات متحده آمریکا همراه با حمایت برخی از کشورهای محافظه کار آمریکای لاتین پیشنهاد ابداع پیمان نامه تجارت آزاد بین آمریکای لاتین، ایالات متحده آمریکا و کانادا را مطرح ساخته است که ما آن را در زبان اسپانیولی ALCA می نامیم. این ابتکار ایالات متحده آمریکا برای افزایش سلطه اقتصادی خود در منطقه است. دولت من و به ویژه شخص رییس جمهور با چنین پیشنهادی مخالف است و اعتقاد دارد که این طرح جز افزایش فقر برای کشور ره آورد دیگری نخواهد داشت و چون این پیشنهاد بر شالوده موافقت با بزرگترین قدرت اقتصادی دنیا است به سلطه جویی ایالات متحده آمریکا بر اقتصاد ما، حتی بیشتر از وضع کنونی، منجر خواهد شد. کاربست این پیمان نه تنها ترفند دیگری برای دخالت در اقتصاد کشورمان بلکه در فرآیند تصمیم گیریهای سیاسی و اجتماعی نیز خواهد شد. اگر این پیمان مورد تصویب قرار گیرد کاملاً محتمل است که کشورهای کوچکتر به مستعمره های ابرقدرت ایالات متحده آمریکا تبدیل شوند.

## مبارزه برای آینده‌ی روشن در ونزوئلا

است؟

دولت و رئیس‌جمهوران، برای چیرگی بر معضلات دیرینه و باقیمانده از سده‌های گذشته، کار خود را در روندی انقلابی برای تغییر و دگرگونی ادامه می‌دهند. برای این که در این راه موفق شویم باید ساختارهای موجود، حتی عاداتها را تغییر دهیم. همان طوری که تاریخ به ما می‌آموزد، هرگونه تحولی موافق و مخالف دارد. در مورد انقلاب بولیواری، مخالفین آنهاهی هستند که اداره زندگی اقتصادی، سیاسی و نظامی را برای سالهای زیادی در اختیار داشتند. این افراد نمی‌خواهند قدرت را به آنهاهی که برای سالها از شرکت در امور کشور محروم بودند واگذار کنند. طبیعتاً آنهاهی که برای مدت‌ها کنار گذاشته شده بودند، می‌خواهند در گرفتن حق خود و توزیع عادلانه ثروت کشور سهم شوند. اینها پشتیبانان انقلاب بولیواری هستند. برای همین است که بین مردم ونزوئلا که برای سالها کنار گذاشته شده‌اند و آنهاهی که قدرت را در دست خود داشتند، درگیری وجود دارد. بیکاری است برای حیثیت، حاکمیت ملی و یک زندگی آبرومندانه.

آنهاهی که پیش از این، طبق سنت قدرت در ونزوئلا را در اختیار داشتند تلاش می‌کنند که از هر شیوه ممکن، از جمله دو کودتای نافرجام اخیر، رئیس‌جمهور منتخب کشور را به زیر بکشند. اعتصاب سراسری، ترور و غیره از شیوه‌های دیگری است که تا بحال از آنها استفاده شده است. نیروهایی که برای متزلزل ساختن سیستم سیاسی کشور تلاش می‌کنند از حمایت برخی از دولتهای خارجی برخوردارند و بدون شک بوش و کارگزارانش از پشتیبانان اصلی شیوه‌های کودتایی یا هر شیوه دیگری برای به زیر کشیدن دولت ونزوئلا هستند. آخرین تلاش نیروهای مخالف، جمع‌آوری امضاء برای برگزاری همه‌پرسی سراسری است، شیوه‌ی که نه بر مبنای قانون اساسی بلکه با کلاهبرداری عمل کرده است. خوشبختانه آنها هنوز در این اقدام موفق نشده‌اند. اما اگر قرار باشد این همه‌پرسی برگزار شود با شیوه‌ای دموکراتیک و بسیار شفاف در درون ساختار قانون اساسی انجام خواهد گرفت. اگر خواست همه‌پرسی سراسری برای لغو ریاست جمهوری چاوز تصویب شود پیروزی از آن چاوز خواهد بود و این خیلی روشن است. ما تردید نداریم که چاوز در برگزاری هر انتخابات سراسری دیگری نیز پیروز خواهد شد.

**بریتون:** مردم چگونه و از چه راههایی از انقلابشان دفاع می‌کنند؟

**ویواس:** برای دفاع در مقابل دخالت خارجی از راه‌های گوناگونی بهره می‌گیریم. سلاح اصلی، در ساده‌ترین بیان، خود مردم هستند. دو سال پیش، چاوز به مدت ۴۸ ساعت از ریاست جمهوری بر انداخته شد و این مردم بودند که به همراهی ارتش در

ادامه در صفحه ۷

### کمک‌های مالی رسیده

به استقبال جشن اول ماه مه رفقا از انگلستان ۵۰۰ پوند  
 هواداران حزب از قبرس ۱۰۰ پوند  
 به یاد شهیدان حزب آرش کوچولو ۱۰۰ یورو  
 به یاد برادر ۱۰۰ دلار

لئونل ویواس، سفیر جمهوری بولیواری ونزوئلا، در استرالیا است. وی اخیراً برای شرکت و سخنرانی افتتاحیه سازمان انجمن بولیواری، به منظور جلب حمایت برای دگرگونی‌های انقلابی در حال انجام، به شهر سیدنی مسافرت کرد. پیش از آغاز گردهمایی، باب بریتون، خبرنگار نشریه گاردین ارگان مرکزی حزب کمونیست استرالیا، مصاحبه‌ی را با وی پیرامون تحولات اخیر در کشورش انجام داد.

**بریتون:** چه ارتباطی بین واژه بولیواری و روند انقلابی کنونی در ونزوئلا وجود دارد؟

**ویواس:** واژه بولیواری برگرفته از سیمون بولیوار، قهرمان ملی ونزوئلا است که دیدگاه سیاسی و نظریاتش الهام بخش انقلاب است سیمون بولیوار رهبر جنبش استقلال طلبانه کشور بر ضد پادشاهی اسپانیا بود. و در نتیجه قهرمان ملی ما به شمار می‌رود و به همین سبب است که رهبران کنونی ونزوئلا مانند چاوز، رئیس‌جمهوری و دیگران، با دیدگاهی بر بنیاد نظریه‌ها و بینش‌های بولیوار، پرچم انقلاب بولیواری را بدست گرفته‌اند آن را به پیش می‌برند.

**بریتون:** چه کامیابی‌هایی از دگرگونی‌های کنونی کشور نصیب مردم ونزوئلا شده است؟

**ویواس:** کامیابی‌های حاصل از این دگرگونی‌ها بی‌شمارند. این کامیابی‌ها را می‌توان در حوزه اقتصادی و همچنین اجتماعی و سیاسی مشاهده کرد. مشارکت مردم در فرآیند تصمیم‌گیری‌ها، هدف نهایی انقلاب بولیواری است. دستیابی به شرکت مستقیم مردم در فرآیند دگرگونی‌ها، بویژه در آن اقداماتی که دولت برای بهبود زندگی مردم کشورمان انجام می‌دهد، عاجزترین هدف و مهمترین ره آورد انقلاب است. می‌توان آن را دموکراسی مشارکتی نامید. پیش از این، مردم ونزوئلا فقط رای دهنده بودند که برای انتخاب رئیس‌جمهوری یا نخست‌وزیر، و نه چیز دیگری، به صندوق‌های رای می‌رفتند. مشارکت فقط در صندوق‌های رای‌گیری برای دادن رای به کسی بود که دولت تعیین می‌کرد. پس از آن، مردم در تصمیم‌های از پیش گرفته شده دولت شرکت نداشتند. اما اکنون مهمترین رویکرد، مشارکت مستقیم مردم در تصمیم‌گیری‌های سرنوشت ساز دولت است. انقلاب در عرصه اجتماعی، جهش‌هایی به پیش داشته است. برای نمونه پیشرفتهای قابل توجهی در جهت طرح سوادآموزی انجام گرفته است. ونزوئلا کشور فقیری بشمار می‌رود. ۸۰ درصد مردم در فقر زندگی می‌کنند و در میان آنها نرخ بیسوادی بسیار بالا است. دو یا سه سال پیش تنها ۱۲ درصد از جمعیت با سواد بود. امروز، پس از اتمام طرح رابینسون، ۹۵ درصد مردم کشورمان باسواد شده‌اند. در دوره‌های شش ماهه، ۱/۲ میلیون نفر تحت پوشش این برنامه بودند. (این برنامه آموزشی نام خود را به یاد بزرگداشت مشهورترین معلم ونزوئلایی سیمون بولیوار، از قهرمان داستان رابینسون کروزو، نوشته دیفوتز اقتباس کرده است.)

به مساله بهداشت نیز، در انقلاب بولیواری اهمیت زیادی داده شده است. عنصر اساسی تشکیل دهنده برنامه بهداشتی کشور، دسترسی توده‌ها به درمان رایگان است. کمبود امکانات بهداشتی، یکی از معضلات کشور است و این انقلاب عمدتاً در مسیری پیش می‌رود که تهدیدستان بتوانند بر تنگناها و معضله‌های بهداشتی خود غلبه کنند. در این برنامه بهداشتی، کمک کویا بسیار چشمگیر بوده است. در عرصه اقتصادی نیز باید گفت پیشرفت‌های زیادی در جهت ترمیمی منافع تهری دستان حاصل شده است. نولیبالیسم، جدیدترین ترفند سرمایه‌داری، در پاسخگویی به نیازهای مردم شکست خورده، در نتیجه جستجو برای یافتن راهکار دیگر برای ساماندهی اقتصاد کشور، نخستین هدف برنامه اقتصادی انقلاب بولیواری بشمار می‌رود. بنابراین تلاش ما این است که از وارد کردن الگوی اقتصادی کشورهای پیشرفته که هیچگونه همخوانی با شرایط ونزوئلا ندارد پرهیز کنیم و الگویی را بیابیم که با شرایط کشور ما متناسب باشد.

**بریتون:** پیامد شگردهای اخیر نیروهای مخالف برای بی‌ثباتی کشور چگونه بوده

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
 2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
 3. <http://www.tudehpartyiran.org>

**Nameh Mardom-NO 686**  
**Central Organ of the Tudeh Party of Iran**

11 May 2004

**شماره فاکس و  
 تلفن پیام‌گیر ما**  
 ۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام: IRAN e.V. #####  
 شماره حساب: 790020580#####  
 کد بانک: 10050000#####  
 بانک: Berliner Sparkasse